

سرمقاله

تبیین شرایط قبول خبر از منظر قدماء و متأخرین

سید محمد کاظم طباطبایی^۱

«سنت» سخن یا رفتاری است که از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام صادر شده است. آن گاه که «سنت» از طریق راویان برای دیگران حکایت شد، عنوان «حدیث» می‌یابد. از این رو، حدیث، گزارش سنت است.

با استمرار روند نقل حدیث توسط مشایخ حدیثی برای شاگردان، سلسله سند حدیث پدید آمده است. از این رو، در دوره‌های پسین، پیکره حدیث از دو قسمت «متن» و «سند» تشکیل و ارائه شده است.

این روایات در دوره‌های بعد توسط عالمان و محدثان در مصادر و منابع حدیثی جمع‌آوری شده و در اختیار نسل‌های پسین قرار گرفته‌اند.

طبیعی است که بنا بر عللی همچون گزیده‌گویی، فراموشی، تصحیف در گفتار یا نوشتار، احساس عدم نیاز و... گاه فردی از میانه سلسله اسناد کاسته شده و حتی روایتی بدون ذکر سند در منابع حدیثی جای گرفته است. از این رو، مجموعه روایات موجود در مصادر حدیثی، از منظر استناد، سلسله سند، اتقان سند و اعتبار سند جایگاه متفاوتی در حکایت سنت دارند.

اکنون این سؤال رخ می‌نماید که مخاطبان آموزه‌های معرفتی معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام، استناد و اعتبار روایت را چگونه احراز می‌کنند؟ چه روایتی را مقبول و گزارش سنت دانسته و چه روایتی را با چه استدلالی کنار می‌نهند؟ ملاک و معیار آنان در قبول و ردّ حدیث چیست؟

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، جانشین سردبیر (tabakazem@gmail.com)

این موضوع، دغدغه همیشه‌گی عالمان و محدثان از دوره کهن بوده و با گذشت زمان و پدید آمدن فاصله زمانی بیشتر با دوره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از پیچیدگی بیشتری نیز برخوردار شده است. عالمان در دوره‌های گوناگون، رویکردهای متفاوت نظری و عملی در اعتبارسنجی روایات حوزه‌های مختلف معرفتی داشته و مباحث فراوانی را در این حوزه مطرح کرده‌اند.

پاسخ‌گویی به پرسش‌های پیشین، نیازمند روشن شدن مبانی و معیارهای اعتبارسنجی خواهد بود که پرسش‌هایی جدیدتر را پدید آورد:

۱. آیا اعتماد و عدم اعتماد به گزارش حدیثی، امری عرفی و عقلایی است و یا رویکردی شرعی از جانب شارع مقدس برای اعتبارسنجی روایت لحاظ شده است؟
 ۲. در صورت پذیرش هر یک از رویکردهای پیش گفته، ویژگی‌های لازم برای قبول روایت چیست؟

۳. آیا رویکرد عالمان در دوره‌های متفاوت تاریخی تغییر، تحول و تطوّر یافته است؟ در صورت پاسخ مثبت به این پرسش، این دگرگونی چگونه بوده است؟
 ۴. ویژگی‌ها، ممیزات و افتراقات رویکردها چیست؟
 در پاسخ به این پرسش‌ها و به اختصار، مباحث اصلی در این حوزه را مطرح کرده و مباحث تفصیلی را به کتاب‌های تفصیلی و مرجع احاله می‌دهیم:

۱. رویکردهای اعتبارسنجی

دو رویکرد اصلی با دو مبنای متفاوت در اعتبارسنجی روایات وجود دارد:

۱-۱. وثوق صدوری

مراد از وثوق صدوری، اعتماد و اطمینان عقلایی بر مفاد خبر با توجه به میزان واقع‌نمایی آن است. مطابق با این دیدگاه، اعتماد یا عدم اعتماد به گزارش راویان، موضوعی ویژه حدیث نیست، بلکه از قواعد عمومی، عرفی و فراگیر حجیت خبر و گزارش در جامعه بشری پیروی می‌کند.

خبر به دو گروه شایع و غیرشایع تقسیم می‌شود. خبر شایع یا متواتر، خبری است که شمار راویان ناقل آن در هر طبقه، آن مقدار فراوان باشد که اعتماد عرفی به گزارش آنان پدید آید. خبر غیرشایع یا واحد - که شمار راویان آن به حد روایات متواتر نمی‌رسد - نیازمند قراین اطمینان بخش از ناحیه راوی، منبع و متن است. اگر برآیند قراین موجود در این سه حوزه به

گونه‌ای باشد که اعتماد و وثوق عرفی به گزارش پدید آورد، خبر را موثوق‌الصدور می‌نامیم. مراد از وثوق صدوری نسبت به خبر، آن است که عرف عقلا به سبب وجود قرینه‌های متفاوت در منبع و محتوای گزارش، عرف عقلا، آگاهی پدید آمده از محتوای آن خبر را قابل عمل شمرده و بی‌اعتنایی به محتوای آن را ناپسند می‌دانند.

عالمان اصولی متأخر شیعه، مهم‌ترین دلیل اعتبار خبر واحد را بنای عقلا یا سیره عقلائی در پذیرش خبر دانسته‌اند. آنان دلایل قرآنی، روایی و اجماع را نیز به عنوان مؤید سیره عقلا دانسته و دلیل مجزا نشمرده‌اند.^۲

برای تحلیل و تبیین این نظریه، لازم است ابتدا رویکرد کلی عرفی و عقلائی در اعتماد به گزارش‌ها را تحلیل کرده و آن‌گاه این رویکرد را بر پذیرش حدیث تطبیق دهیم.

۱-۱-۱. رویکرد عقلائی در پذیرش خبر

همه انسان‌ها در روند زندگی اجتماعی خویش نیازمند رابطه اجتماعی با دیگران، تصمیم‌گیری در مواجهه با آنان، ابراز احساس و عاطفه، پیگیری مباحث و روابط اجتماعی، داد و ستد، معامله و پیگیری حقوقی و قضایی و... هستند.

بیشتر این تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها برگرفته از اطلاعات و گزارش‌هایی است که افراد جامعه، بدون واسطه یا با واسطه از دیگر مردمان شنیده و اخذ کرده‌اند و واکنش خود را مبتنی بر آن گزارش‌ها سامان داده‌اند.

بنا بر این، روند و روال زندگی اجتماعی، مبتنی بر تبادل اطلاعات و آگاهی با دیگران است و بدون آن چرخه زندگی و تصمیم‌گیری دچار آسیب و رکود می‌شود.

تحلیل رویکرد انسان‌ها در مواجهه با گزارش دیگران، اعم از شنیدن، پذیرش و اعتماد، احتیاط، ترتیب اثر، واکنش مناسب، بی‌اعتنایی، مردود شماری و... نشان‌گر روند و روال عقلائی در این چرخه است.

شاخص‌های محوری در مواجهه با گزارش دیگران، از چند رکن اساسی برخوردار است:

۱. اهمیت گزارش و مفاد آن،

۲. قراین همراه گزارش،

۲. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۳۴۶؛ کفایة الاصول، ص ۳۰۳؛ حاشیه کفایه (بروجردی)، ج ۲، ص ۱۳۰؛ نهایة الاصول، ص ۵۱۷ و ۵۲۶؛ انوار الهدایه، ج ۱، ص ۳۱۳؛ تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۱۶۷؛ کتاب البیع (امام خمینی)، ج ۱، ص ۳۸۲؛ حاشیه کفایه (علامه طباطبائی)، ج ۲، ص ۲۲۲؛ اصول الفقه (مظفر)، ج ۳، ص ۹۶.

۳. منبع خبر (گوینده یا گویندگان گزارش)،
 ۴. آثار پدید آمده مبتنی بر پذیرش یا عدم پذیرش گزارش.
 انسان‌ها با توجه به برآیند اعتماد به مجموعه معیارهای گفته شده، گزارشی را پذیرفته و گزارشی کنار می‌نهند.
 نتیجه آن‌که:

۱. هر مقدار که مفاد خبر مهم و قابل اعتنا باشد، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در اعتماد بر آن در پیش می‌گیرند.
 ۲. اگر ضرر محتمل بر عدم ترتیب اثر بر خبر افزون شود، در پذیرش آن احتیاط کرده و به آن عمل می‌کنند تا ضرر محتمل کمتری متوجه آنان شود.
 ۳. گزارشی که قراین همراه آن بیشتر باشد، بهتر مورد قبول خواهد بود.
 ۴. گزارشی که گزارش‌گران بیشتر، منابع معتبرتر، سلسله اسناد کمتر و افراد شاخص و مورد اعتمادتر داشته باشد، پذیرش آسان‌تری خواهد داشت.
- این رویکرد مبتنی بر قبول مطلق یا رد مطلق هر خبر و گزارش نیست، بلکه با توجه به معیارهای مطرح شده، طیفی گسترده و منعطف از اعتماد تام تا عدم اعتماد را برای گزارش‌ها محتمل می‌کند.

به سخن دیگر، پذیرش این رویکرد، به معنای پذیرش هر خبر و اعتماد بر آن یا عدم پذیرش هر خبر و عدم اعتماد بر آن نیست، بلکه با توجه به معیارهای پیش گفته، هر گزارش تحلیل شده و اعتبار و واقع‌نمایی آن را ارزش‌گذاری می‌گردد. آن‌گاه، با توجه به برآیند امتیازات موجود در هر گزارش، نسبت به آن عکس‌العمل مناسب نشان داده می‌شود.

از سوی دیگر، جامعه و عرف عقلا نیز رویکرد افراد جامعه در پذیرش یا رد خبر را بررسی و عملکرد دیگران را تحلیل و پذیرنده خبر را تأیید و یا مؤاخذه می‌کند؛ همچنان‌که گاه پذیرش برخی از گزارش‌ها را ناپسند دانسته و ترتیب اثر دادن برخی از مردم بدان را تقبیح می‌کند.
 با توجه به نکات مطرح شده می‌گوییم:

رویکرد انسان‌ها - که از آن در اصطلاح به سیره عقلا یاد می‌شود - مبتنی بر پذیرش خبر و عمل به آن است. این رویکرد، ملاک و معیار دارد و مطابق با اصول عقلایی و قابل دفاع است.

این شیوه بر اساس تسهیل و روان‌سازی روابط اجتماعی است تا امور روزمره زندگی مردمان مختل نگردد و روال زندگی به گونه‌ای آسان‌تر به جریان افتد. به عبارت دیگر، سخت‌گیری،

دقت زیاد و عدم انعطاف در این شیوه، سبب رکود و سکون در تصمیم‌گیری و زندگی اجتماعی می‌شود.

طبیعی است که به سبب اشتباه در معیار و یا محاسبه معیار، برخی موارد خطا در این رویکرد عرفی پدید آید، ولی موارد اندک خطای موجود در این روند، قابل اغماض است و نمی‌توان با دستاویز قرار دادن این میزان خطا، نظام اجتماعی و روند حاکم بر آن را دچار سردرگمی، بی‌تصمیمی، تشمت و اختلاف کرد.

۱-۲-۱. رویکرد عقلایی در پذیرش حدیث

رویکرد وثوق صدوری عمومی - که سیره عقلایی دانسته شد و در سطور پیشین تبیین شد - در پذیرش حدیث، بروز و جلوه‌ای ویژه خود دارد. به عبارت دیگر، اگرچه اصل رویکرد عمومی در مواجهه با گزارش‌های متعارف اجتماعی، بن‌مایه رویکرد عقلایی در مواجهه، پذیرش یا عدم پذیرش احادیث است، ولی ویژگی‌ها و قرینه‌های افزاینده و کاهنده اعتماد به حدیث با ویژگی‌های موجود در گزارش‌های عمومی و عرفی و اجتماعی تفاوت داشته و متمایز از آن است.

این ویژگی‌ها را این‌گونه می‌توان دسته‌بندی نمود:

۱-۲-۱-۱. ویژگی‌های منبع و مصدر حدیث:

۱. قدمت و کهن بودن: هم‌عصر بودن یا نزدیک‌تر بودن به زمان صدور سنت، سبب اعتماد بیشتر به کتاب و آسیب کمتر در نقل اولیه خواهد بود.
۲. شهرت: کتاب‌هایی که در طرق حدیثی قرار داشته و نزد عالمان مشهور بوده‌اند، اعتباری افزون بر کتب ناشناخته‌تر دارند.
۳. مقبولیت: منابع حدیثی که از مقبولیت و شایستگی در حوزه‌های حدیثی برخوردارند، اعتباری افزون بر مصادر متوسط دارند.
۴. ضابط بودن مؤلف: ضبط و اتقان نقل مؤلفان یکسان نبوده است. هر مقدار که بر ضابط بودن مؤلف افزون شود، اعتبار کتاب و روایات آن بیشتر می‌شود.
۵. شهرت، تخصص و مهارت راوی: راوی یا نویسنده کتاب حدیثی که از تخصص ویژه در حوزه معرفتی نگاشته خود همانند کلام، فقه، اخلاق، تفسیر یا تاریخ برخوردار باشد، اعتماد بیشتری را پدید خواهد آورد.
۶. پرهیز از نقل روایات منکر و شاذ: کتاب‌هایی که متون منحصر به فرد و منکر بیشتری

داشته باشند، اعتماد کمتری پدید می‌آورند.

۷. مدرسه حدیثی: هریک از مدارس حدیثی مثل کوفه، قم، بغداد و حله، ویژگی‌هایی مخصوص به خود دارند که سبب افزایش یا کاهش اعتماد به منابع حدیثی و روایات آن‌ها می‌شود.

۱-۲-۲. ویژگی‌های سند و راوی:

۱. صحت سند: سند متصلی که همه راویان آن امام و ثقه باشند، اعتماد بیشتر پدید آورده و اعتبار افزون‌تری دارد.

۲. حسن بودن: به سبب وجود فرد ممدوحی که بر وثاقت او تصریح نشده است، اعتبار کمتری از حدیث صحیح دارد.

۳. موثق بودن راویان: اصل روایت، به سبب وجود راویان موثق معتبر است؛ ولی چون فردی غیر امامی در سند وجود دارد، از اعتبار کمتری نسبت به حدیث صحیح برخوردار است.

۴. اتصال سند: روشن است که سند متصل اعتباری افزون بر سند مرسل و غیر متصل دارد.

۵. شهرت راوی: راویان مشهور به فضل، دیانت، ضبط، وثاقت و پیشینه شاخص، اعتباری افزون‌تر از راویان ثقه غیر مشهور دارند.

۶. شیخ اجازه بودن: روایانی که مورد مراجعه محدثان دیگر بوده و استاد حدیثی و شیخ اجازه محسوب می‌شوند، اعتمادی ویژه پدید می‌آورند.

۷. جزو اصحاب اجماع: اصحاب اجماع، یک گروه ویژه هیجده نفره از راویان حدیثی هستند که نزد عالمان شیعه شاخص محسوب شده و اعتبار خاص دارند.

۱-۲-۳. ویژگی‌های محتوا

۱. هماهنگی با روح قرآن و سنت: گوهر و روح دین مبتنی بر حق، عدالت، تعبد و دوری از گناه و ولنگاری است. روایتی که با روح دین سازگار باشد، اعتمادی افزون بر روایت مخالف خود دارد. روشن است که آگاهی از روح قرآن و سنت، پس از ممارست طولانی با این دو منبع پدید می‌آید. از این رو، ادعای هر نورسیده و تازه وارد درباره گوهر دین پذیرفته نیست.

۲. علو مضمون: والایی و تعالی مضمون و محتوای حدیث، قرینه بر صدور آن از جانب معصوم علیه السلام تلقی می‌شود؛ اگر چه حکیمان و دانشمندان نیز سخن حکیمانه و شایسته

می گویند.

۳. اهمیت و دقت احادیث اعتقادی: روایات اعتقادی، از دقت ویژه‌ای برخوردارند. دقت و عمق روایات اعتقادی سبب پدید آمدن اعتماد بیشتر بدان خواهد شد.

۴. فطری بودن روایات اخلاقی: روایات اخلاقی با فطرت سلیم انسانی ارتباط برقرار می‌کنند؛ روایتی که منکر باشد، اعتماد کمتری پدید می‌آید.

۵. رعایت ظرافت‌های فقهی: زاویه دید فقیهانه، دقت و ظرافت فقهی، حقوقی ویژه‌ای می‌طلبد که برگرفته از ظرافت روایات فقهی است. اتقان روایت با رعایت این ظرافت‌ها نمایان می‌شود.

۶. پرهیز از رکاکت الفاظ و محتوا: الفاظ معصومان علیهم‌السلام از رکاکت و ناپسندی لفظی و محتوایی تهی است؛ ولی ممکن است در نقل به معنای راویان این آسیب رخ داده باشد. هر چه که باشد، اعتماد به متن را کاهش می‌دهد. روشن است که تشخیص رکاکت لفظی و محتوایی نیز نیاز به ذوق ادبی - حدیثی دارد..

۷. کاهش متون مستبعد: ممکن است برخی متون فراتر از عقل عادی ما باشند، ولی نقل متون گزارش بعید و دور از انتظار نباید تبدیل به رویه و روند شود. این شیوه، اعتماد به متن یا کتاب را کاهش می‌دهد.

۱-۲-۴. دیگر ویژگی‌ها

۱. فضایل اهل بیت علیهم‌السلام از لسان مخالفان: اعتماد به روایات دشمنان یا مخالفان اهل بیت علیهم‌السلام عقلایی نیست، ولی شنیدن فضایل امیرالمؤمنین علیه‌السلام از زبان معاویه و عمرو عاص و افراد مشابه آن، اطمینانی بیش از افراد معمولی پدید می‌آورد.

۲. فراوانی و تکرار محتوا: تکرار یک مضمون و محتوا در روایات متفاوت و با تقریرها و بیان‌های گوناگون، سبب استفاضه مضمونی شده و اعتماد بدان را افزایش می‌دهد.

۳. آزمون تجربی: برخی از روایات، همچون روایات طبی، قابلیت آزمودن تجربی دارند. پاسخ مثبت این آزمون‌ها به افزایش اعتماد به متن منجر می‌شود.

۱-۳-۱. کاربرست ویژگی‌ها

مهارت در کشف ویژگی‌های مثبت و منفی هر روایت، منجر به افزایش یا کاهش اعتماد به آن می‌شود. کاربرست این ویژگی‌ها به گونه صحیح و منضبط، سبب اعتمادزایی و افزایش اعتماد یا کاهش اعتماد اعتمادزایی به حدیث شده و نتیجه نهایی را از برآیند مجموعه

ویژگی‌ها، فراروی مخاطب متخصص و فرهیخته قرار دهد.

روشن است که با استفاده از مجموعه معیارهای پیش گفته، ممکن است حدیث مرسلی - که مقبولیت قدمایی داشته و مورد پذیرش عالمان کهن قرار گرفته است - اعتباری افزون‌تر از حدیث صحیح السنندی بیابد که مشهور عالمان از آن اعراض کرده و بدان فتوا نداده‌اند. از این رو، برخی عالمان شیعه به صراحت، اعلام کرده‌اند که اعراض مشهور عالمان و فقیهان از فتوا دادن به مضمون حدیث، سبب کاهش اعتبار حدیث خواهد شد و مقبولیت روایت نزد آنان یا فتوا دادن به محتوای حدیث فقهی، ضعف سند را جبران خواهد کرد.^۳

۱-۲. ویژگی‌های راوی و وثوق صدوری

با وجود آن که عوامل گوناگونی برپدید آمدن وثوق صدوری و افزایش اعتبار حدیث اثر گذار هستند، ولی جایگاه ویژه نقش راویان و سلسله اسناد در پدید آمدن وثوق به متن هویتی ویژه به این معیار بخشیده است. به عبارت دیگر، ویژگی‌های راوی نقش محوری و اساسی در اعتمادافزایی به متن دارد. از این رو، پرسش از معصومان علیهم‌السلام درباره وثاقت برخی از راویان یا اعلان وثاقت راویان خاص توسط معصومان علیهم‌السلام در جوامع حدیثی ما نمود ویژه یافته است. گفتنی است که در دوره حضور ائمه علیهم‌السلام و دوران آغازین حدیث‌گویی و حدیث‌شنوی، منابع حدیثی اندک بودند و مؤلفان آن نیز راویان اولیه حدیث بودند؛ سلسله اسناد وجود نداشت و تفاوت میان حوزه‌های حدیثی مشهود نبود. بدین سبب ملاک‌های دیگر درباره منبع و محتوا و قراین موجود در آن کمتر مورد توجه بود. از این رو، پرسش درباره وثاقت راوی و بیان اوصاف راوی به صورت پرننگ‌تر در روایات جلوه‌گراست.

۱-۳. تطور تاریخی

در سال‌های پایانی دوره حضور و سده‌های اول پس از غیبت، قراین مرتبط با پدیداری وثوق به متن فراوان بود. نسخه‌های اولیه حدیثی که در دوره حضور نوشته شده و در اختیار راویان و محدثان قرار گرفته بود، شمار فراوانی داشت. طبیعی است که نزدیکی زمان به دوره نگارش اصول اولیه حدیثی، دست‌یابی به قراین موجود در منابع و فهرس را برای شاگردان و عالمان پیشین آسان می‌ساخت.

۳. رک: البدر الزاهر، ص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ دراسات فی المکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۹۰؛ تسدید الاصول، ج ۲، ص ۶۳؛ المنهج الرجالی لسید البروجردی، ص ۷۹.

از این رو، ملاک اعتبار روایت تا سده ششم هجری، وثوق صدوری برگرفته از قراین ایجابی و سلبی در منبع، راوی و محتوا بود. گفتنی است: حتی افرادی همچون سید مرتضی و ابن ادریس علیهما السلام - که رویکردی متفاوت با عالمان هم عصر خویش داشته و حجیت خبر واحد را انکار می کردند - این نکته را پذیرفته بودند که در صورتی که خبر و گزارش، محفوف به قراین باشند، قابل پذیرش هستند. به عبارت دیگر، آنان نیز وثوق صدوری پدید آمده از قراین همراه با خیر را شایسته اعتماد می دانستند.

این شیوه اعتبارسنجی مشکلاتی داشت که با گذشت زمان، دور شدن از دوره نگارش های آغازین و دسترسی کمتر به قراین منابع اولیه و فهارس بیشتر نمایان می شد. در سده هفتم هجری و در دوره سید احمد بن طاووس و علامه حلی و به همت این دو، به ویژه علامه حلی، شیوه اعتبارسنجی روایت متحول شده و از وثوق صدوری به وثوق سندی تغییر یافت.

ادعای اصلی بنیان گذاران شیوه نوین آن بود که با فقدان قراین اثرگذار که قدما در اختیار داشتند و ما فاقد آن هستیم، راهی اجتهادی برای اعتبارسنجی روایات وجود ندارد. لذا نیاز به ضابطه علمی دقیق، فنی و قابل سنجش و بازخواست برای اعتبارسنجی احساس می شود. بهترین راهکار در این مرحله، شیوه ارزیابی سندی بر اساس وثاقت راویان واقع در سلسله اسناد روایت است.

تغییر رویکرد عالمان از معیار وثاقت صدوری به معیار وثاقت سندی و رجالی سبب شد که بسیاری از متون روایی پیشین که نزد قدمای اصحاب امامیه، معتبر و صحیح تلقی می شد بر اساس سنجش با معیار جدید، معتبر شمرده نشود.^۴

۲-۱. وثوق سندی

در حقیقت، از سده هفتم هجری، رویکرد وثوق صدوری - که مبتنی بر قراین و عوامل متعدد اعتباربخشی بود - تنها بریک جزء از عوامل پیشین تمرکز یافت و آن تشخیص اعتبار

۴. برای نمونه بیش از نیمی از روایات کتاب شریف *الکافی* مطابق با معیار جدید، ضعیف تلقی می شود؛ در حالی که ثقة الاسلام کلینی علیه السلام در مقدمه کتاب خود آن ها را صحیح برشمرده و این اعتبارسنجی در بیشتر موارد مورد قبول عالمان پس از ایشان نیز قرار گرفته است. همچنین نزدیک به یک سوم روایات کتاب *من لایحضره الفقیه*، عنوان روایت مرسل یافته و ضعیف سندی شمرده شده است؛ در حالی که شیخ صدوق علیه السلام آن ها را معتبر دانسته و حجت بین خود و خدای خود می شمرد؛ زیرا از مصادر و منابع مشهور حدیثی انتخاب شده اند.

حدیث براساس وثاقت راوی بود.

این رویکرد در آثار عالمانی همچون علامه حلی، شهید ثانی، صاحب معالم و صاحب مدارک نمودی ویژه یافت و رویکرد پیشین را به محاق کشانید.

اصرار بر شیوه سند محور، افراط در استفاده از آن و ضعیف شمردن بسیاری از روایات موجود در جوامع حدیثی، به ویژه کتب اربعه، منجر به واکنش گروهی از عالمان و پدید آمدن اخباریان و رویکرد اعتمادبخشی تام به روایات، به ویژه روایات کتب اربعه شد. این رویکرد جدید، همراه با اخبارگرایی شدید خود با کنار نهادن قرآن کریم از دایره افاده و استفاده، آسیب و اثرگذاری بر سیر روند تفکر شیعه داشت؛ اگرچه با ترویج نگاه‌های حدیثی، زمینه تحقیقات بیشتر نقلی را هم فراهم ساخت و آثار ماندگاری با این رویکرد پدید آورد.

در مرحله بعد، مرحوم وحید بهبهانی پس از براندازی تفکر اخباری‌گری، شیوه‌ای جدید در اعتباربخشی و اعتمادسازی نسبت به روایات ایجاد کرد که رویکردی میانه و گونه‌ای وثوق صدوری براساس داشته‌های موجود زمانه خود بود. روشن است که بسیاری از قراین موجود در کنار روایات در سده‌های اولیه از میان رفته و قابل بازیابی نبود. از این رو، نیاز به پی‌ریزی ملاک‌ها و معیارهایی برای اعتبارسنجی روایات براساس رویکرد وثوق صدوری احساس می‌شد که این مهم به وسیله مرحوم وحید بهبهانی انجام شد.^۵

پس از ایشان، هر دو رویکرد وثوق سندی و وثوق صدوری در کنار هم به حیات خود ادامه دادند. فقیهانی چون شیخ انصاری، محقق همدانی و آیه الله بروجردی رویکرد وثوق صدوری را با ویژگی‌های خاص خویش ارائه کردند؛ همچنان که برخی همانند آیه الله خویی و بسیاری از شاگردان ایشان رویکرد سند محور را در اعتماد به حدیث پی گرفته و نگاه‌های هم‌چون معجم رجال الحدیث را پدید آوردند.

۱-۲-۱. تقسیم بندی روایات از منظر وثاقت سندی

تقسیم چهارگانه حدیث به صحیح، حسن، موثق و ضعیف پیامد رویکرد سند محور است که براساس اسناد متصل روایات ایجاد شده است.

مراد از حدیث صحیح، حدیثی است که از اسناد متصل (بدون افتادگی یا جهالت راوی میانی) برخوردار باشد و تمام راویان موجود در سلسله اسناد حدیث، ثقه و امامی بوده و به وثاقت آنان تصریح شده باشد.

۵. رک: الفوائد الرجالیه، ص ۶۳-۶۴.

حدیث حسن حدیثی است که سند متصل امامی دارد و حداقل یکی از افراد واقع در آن وثاقت صریح ندارد، ولی حسن او به سبب مدح رجالیان احراز شده باشد. حدیث موثق همانند حدیث صحیح است و سلسله اسناد متصل آن از راویان ثقه تشکیل شده است؛ ولی حداقل یکی از افراد واقع در این سلسله، دوازده امامی نیست.

حدیث ضعیف، حدیثی است که مانند سه گروه پیشین نباشد؛ یعنی یا کلابی سند باشد و یا سند غیرمتصل و یا دربردارنده فردی ضعیف داشته باشد.

تأمل در رویکرد سندمحور نشان می‌دهد که نقطه اتکاء اعتبارسنجی حدیث، بر راویان و ویژگی‌های آنان قرار گرفته و قراین دیگر اعتبارسنجی به کنار نهاده شده است.

در میان ویژگی‌های راویان نیز اساس کار بر وثاقت راوی است که اگر امامی بوده باشد اعتبار افزون‌تری یافته و عنوان صحیح می‌یابد و اگر کمتر از تصریح به وثاقت باشد عنوان حسن می‌یابد.

اگرچه در میان بسیاری از عالمان، از ویژگی ضابط بودن راوی سخن نرفته است ولی به نظر می‌رسد ویژگی «عدم ضبط» به عنوان نقطه ضعف راوی مطرح شده است. به عبارت دیگر اگر احراز شود که راوی ضابط نیست، اعتبار روایات او کاهش می‌یابد.

نکته مهم آن که در این رویکرد، شیعه امامی بودن امتیاز تلقی شده است، ولی ملاک اصلی شمرده نمی‌شود. از این رو، اگر به هر شیوه وثاقت راوی غیر شیعه احراز شود، روایت او موثق و معتبر خواهد بود. روشن است که احراز وثاقت راوی تنها از طرق مقبول نزد عالمان شیعه ممکن خواهد شد.

با توجه به نکات پیش گفته، معنا و ارزش روایات معتبر و مرسل نیز معلوم می‌شود. روایت معتبر روایتی است که سند صحیح، حسن یا موثق داشته باشد و اعتماد بر آن لازم است.

روایت مرسل نیز - که از افتادگی در سند برخوردار است - به سبب ناآگاهی ما از راوی محذوف، از اقسام روایت ضعیف شمرده شده و غیر معتبر است.

۲. شرایط عمومی راوی در کتب درایه

گفته شد که وثاقت راوی، یکی از ویژگی‌های اثرگذار در دو رویکرد وثوق سندی و وثوق صدور است. در کتاب‌های مصطلح الحدیث متأخر، افزون بر این ویژگی چهار شرط دیگر

مطرح شده است: اسلام، عقل، بلوغ، و ضبط.^۶

مقایسه این شرایط با ویژگی های اعتمادزا در وثوق صدوری مبین این نکات است:

۱. شرایط عمومی همانند، بلوغ و اسلام در پذیرش خبراثرگذار نیستند اگرچه ممکن است میزان وثوق به خبررا کاهش دهند.

طبیعی است که اعتماد انسان به گفتار کودک نابالغ غیرممیز، کمتر از فرد بالغ عاقل است؛ اگرچه گاه و در برخی موارد ممکن است اعتماد به کودکی که در بیان مشاهدات خود دوستی، دشمنی و تمایلات حساب‌گرانه ندارد، بیش از انسان‌های حساب‌گری باشد که در گفتار خود معیارهای غیرواقعی را در نظر گرفته و متن خبررا مطابق با منافع خود توضیح و تشریح می‌کنند.

۲. اعتماد به قول فرد غیرمسلمان در معارف دینی، به گونه متعارف، اعتمادزا و اعتمادبخش نیست؛ ولی اگر قرآینی برواقع‌نمایی آن باشد، شبهه‌ای در عدم پذیرش آن نخواهد بود.

۳. عقل، به عنوان شرط اطمینان بخش در وثاقت راوی مورد توجه است. روشن است که سخن فرد دیوانه و مجنون، وثوق ایجاد نمی‌کند. البته کاستی عقل، بازه گسترده‌ای دارد که برخی از موارد آن آسیبی به گزارش وارد نمی‌کند و در نتیجه سخن فرد قابل پذیرش خواهد بود.

۴. شرط ایمان به معنای شیعه بودن راوی است و مطابق با معیارهای پیش‌گفته در نوشتار ما شرط اساسی در پذیرش خبر نیست. اگرچه در مباحث خاص و اختلافی بین مذاهب، اعتماد به قول غیر شیعه - به ویژه آن‌گاه که مخالف معتقدات شیعه باشد - با سیره عقلا موافق نیست، ولی این نکته به سبب قرینه موجود بر عدم وثوق در این روایت است؛ نه آن که شرط اساسی در پذیرش همه اخبار غیر شیعه باشد.

۵. تنها شرط قابل توجه و اعتنا در این مجموعه، شرط ضابط بودن راوی است؛ یعنی شنونده، سخن امام علیه السلام یا راوی پیشین را دقیق و کامل دریافت کرده و دقیق و کامل به مخاطب پس از خود انتقال داده است. از حافظه متعارف، خوب و به دور از فراموشی برخوردار بوده و اوهام و تصورات خود را به دیگران منتقل نکرده است. این شرط به گونه

۶. ر.ک: الکفایه فی علم الدرایه، ص ۳۴، ۴۶، ۵۴، ۷۶، ۷۸، ۸۶، ۹۲. همچنین ر.ک: دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، ص ۵۶-۶۹.

متعارف، در افراد جامعه وجود دارد؛ ولی اگر احراز شود که فرد ضابط و منضبط نیست، سخن او اعتبار نخواهد داشت. به عبارت دیگر، شرط اولیة ضابط بودن عرفی در روایان وجود دارد. اگر کسی از میانگین عرفی جامعه، سطح ضبط پایین تری داشته باشد، به سخن او توجه نمی شود.

امیر مؤمنان علیه السلام در تقسیم بندی چهارگانه روایان حدیث پذیرش روایت فرد غیر ضابط را ناصحیح شمرده و فرموده است:

رَجُلٌ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ شَيْئًا لَمْ يَحْمِلْهُ عَلَى وَجْهِهِ وَوَهُمَ فِيهِ وَلَمْ يَتَّعَمِدْ كَذِبًا فَهُوَ فِي يَدِهِ يَقُولُ بِهِ وَيَعْمَلُ بِهِ وَيَرْوِيهِ فَيَقُولُ: أَنَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَوْ عَلِمَ الْمُسْلِمُونَ أَنَّهُ وَهُمْ لَمْ يَقْبَلُوهُ وَلَوْ عَلِمَ هُوَ أَنَّهُ وَهُمْ لَرَفَضَهُ؛^۷

کسی که چیزی از پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیده و آن را درست نفهمیده و به غلط رفته، ولی قصد دروغ نداشته است. آن حدیث در دست او است؛ به آن معتقد است و عمل می کند و به دیگران می رساند و می گوید: من این را از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم. اگر مسلمین بدانند که او به غلط رفته، نمی پذیرندش و اگر هم خودش بدانند اشتباه کرده، آن را رها می کند.

نتیجه

خلاصه سخن، آن که ملاک و معیار اصلی در پذیرش روایت و اعتبارسنجی آن، ملاک و معیار عقلا در شیوه زندگی اجتماعی خود است که مبتنی بر تحلیل خبر و کنار هم نهادن قرائن اعتبارزا و اعتبارزداست. برآیند مجموعه این قرائن عقلایی گزارشی را مقبول و گزارش دیگر را غیرمعتبر می کند.

وثاقت روایان موجود در سلسله اسناد، یکی از قرائن مهم و تأثیرگذار در این مجموعه است، ولی شرط انحصاری نیست.

۷. رک: الکافی، ج ۱، ص ۶۲-۶۳.